

شرح هدایه صدرا در هند

اکبر ثبوت

تلخیص و ویرایش:

مسعود احمدی افزادی

همه شروع است و صدرا در پرداختن آن، نظرگاههای اشراقی و یافته‌های عرفانی و برداشت‌های دینی ویژه خویش را نادیده گرفته و شرحی کاملاً متناسب با متن و به شیوه حکیمان مشائی ترتیب داده است. و بدین گونه — چنانکه در حاشیه‌اش بر الهیات شفا — هم تسلط خود بر حکمت مشاء را نیک نموده، و هم قدرت خود را در حفظ حدود و خلط نکردن مکاتب و شیوه‌ها به یکدیگر را. و با به کار گرفتن ادله ریاضی تبحر خویش در این فن را نیز ثابت کرده است. و شاید کسانی همچون کنت گوینو که طریقه صدرا را متخذ از بوعلی سینا — حکیم مشائی — می‌دانند، از ملاحظه این دو اثر به نتیجه مزبور رسیده‌اند.

باری، به علتی که بعداً توضیح داده خواهد شد، از میان آثار صدرا، شرح الهدایه وی بیش از بقیه در هند مورد توجه قرار گرفت؛ و حتی نام آن با نام مصنف مساوی و مترادف گردید و غالباً به جای «شرح الهدایه» با عنوان «صدرا» از آن یاد می‌شود. و این هم نشانه‌ای است از توجه بسیار هندیان به شرح الهدایه، یا نامی که خود بر آن نهاده‌اند: صدرا.

قدیمیترین نسخه خطی شرح الهدایه عبارتست از:

نسخه حیدرآباد - سالار جنگ ۶۶

۲۳۶ برگ، ۲۳ س، ۲۳/۲×۱۳ سم کتابت به قلم

نستعلیق شاه محمود بن عبدالوحید فیروزآبادی در ۱۰۷۲ ه.ق.

و همانجا ۶۷

۳۰۳ برگ، ۱۹ یا ۲۰ س، ۱۶×۱۰/۴ سم با چند مهر

و قدیمیترین آنها مورخ ۱۰۷۲ ه، متعلق به محمد کاظم. با حاشیه مستعدخان که ذکر آن بیاید؛ و با این یادداشت در پایان:

«این نسخه شریفه را خود سراپا مقابله نموده

به قدر طاقت بشری تصحیح کرده است و صحت

تام هنگام مطالعه خواهد یافت. ذره بی مقدار

محمد کاظم بن محمد امین منشی غفر ذنبهما»

که نویسنده یادداشت بالا، همان محمد کاظم (م: ۱۰۹۲

ه) فرزند محمد امین منشی قزوینی؛ است که پدرش از

ملازمان شاه جهان بوده و پادشاه نامه را برای او ساخته و

خود در دربار اورنگ زیب نخست جایگاه منشی‌گری

داشته و سپس رویدادهای ده ساله نخست شهریاری

اورنگ زیب را به دستور وی نگارش داده و آن را

«عالمگیرنامه» نامیده است.^۱

۱- فهرست سالار جنگ ۳-۱۱۲، فهرست مشترک نسخه‌های

خطی فارسی پاکستان ۴۵۳-۴/۱۰

چاپهای شرح هدایه در هند

علمیه مهم و رسمی برای شیعه در هند - سید دلدار علی - در محضر فقیهان شیعه ایرانی تلمذ کرده، و در برنامه ریزی برای حوزه شیعه هند نیز تأثیر پذیری وی از آنان محسوس بود، مع ذلک، در صحنه تعلیم و تعلم علوم عقلی در هند، شیعیان - به جای الهام گرفتن از حوزه‌های ایران و عتبات - غالباً حوزه فرنگی محل را سرمشق قرار دادند، و همان برنامه و متنی را اختیار کردند که سنیان برگزیده بودند. علاوه بر آن که سلسله تعلیم حکمت در میان بزرگان آنان^{۱۳} ^{۱۴} به استادان و دانش آموختگان سنی فرنگی محل می پیوندند^{۱۵} بنا به جهات یاد شده است که می بینیم در حوزه‌های علمی شیعیان هند نیز - مانند سنیان - رایج ترین متون فلسفی، شرح صدر است. یعنی کتابی که نماینده سیمای حقیقی صدرا و نشان دهنده چهره دقیقی از مکتب او نیست و در ایران نیز کسی برای آشنایی با صدرا به سراغ آن نمی رفته است.

جایگاه شرح هدایه در برنامه آموزشی هند

اما در این باره باید دانست که قریب هفتاد سال پس از صدرا، یکی از علمای بزرگ هند به نام نظام الدین لکهنوی، برای تحصیلات طالبان علوم دینی - سنی برنامه ای تهیه کرد، و نخستین بار در حوزه فرنگی محل - لکهنو به اجرا در آورد^{۱۶}. پس از او شاگردان ارشد وی و فرزندش عبدالعلی، و اخلافشان، راه او را ادامه دادند و با سرمایه علمی و پشتکار خود، روز به روز بر رونق حوزه

۱۲۶۲ هـ، در مطبعه علوی^۲
در پاره‌ای مآخذ^۳ نیز از چاپ شرح الهدایه در ۱۲۶۲ هـ و در هامش آن حاشیه بحرالعلوم یاد شده که شاید همان چاپ باشد.
۱۲۷۰ هـ، در مدارس مطبعه اسلامیه^۴ و با توجه به این که تعلیقات سعدالله رامپوری بر شرح الهدایه نیز در همان مطبعه به چاپ رسیده^۵. ظن غالب آن است که شرح و تعلیقات هر دو یک جا به طبع رسیده است.
۱۲۹۱ هـ، که تنها شرح فن اول از هدایه است و با حواشی مولوی ابوالحسن حسینعلی فتحفوری لکهنوی و حافظ محمد عبدالحی و قاضی ارتضاعلی خان و محمد سعدالله. چاپ سنگی، حیدرآباد دکن^۶.
۱۲۹۱ هـ، و در هامش آن تعلیقات عبدالحی لکهنوی فرنگی محلی و رساله میسر العسیر فی مبحث المثناه بالتکریر از همو که در لکهنو، مطبعه علویه به چاپ رسیده است.^۷

۱۳۰۸ هـ / ۱۹۱۶ م. دهلی^۸.

۱۳۳۹ هـ / ۱۹۲۱ م. در لکهنو، مطبع یوسفی، به امر مولانا حاج مفتی محمد یوسف انصاری در ۱۸۹ صفحه بزرگ و با حواشی بسیاری از تعلیقه نگاران متعدد در هامش، و به پیوست رساله میسرالعسیر در ۱۲ صفحه بزرگ.

این ناچیز بخشی از شرح هدایه صدرا را از روی نسخه‌ای از همین چاپ در بیست و چند سال قبل با کمک و راهنمایی استاد بزرگوار ابوالحسن شعرانی فرا گرفتیم.

در پاره‌ای مآخذ نیز^۹ از «صدرا مطبوعه هند» یاد شده است که احتمالاً جدا از چاپهای قبلی است.

در سال ۱۳۲۳ هـ نیز تعلیقات بحرالعلوم بر صدرا در رامپور، مطبعه سعیدیه به چاپ رسیده^{۱۰} که احتمالاً با شرح صدرا همراه بوده است. همچنین پاره‌ای از دیگر حواشی صدرا که به چاپ رسیده، احتمالاً با شرح صدرا همراه بوده است. از جمله حاشیه ملاتراب علی لکهنوی که به سال ۱۲۵۸ هـ در مطبعه محمدیه لکهنو به چاپ رسیده^{۱۱} و نیز حاشیه ولی الله انصاری که در سال ۱۳۰۳ هـ در لکهنو، مطبعه نولکشور چاپ شده است.^{۱۲}

در حوزه‌های شیعه، با این که برنامه تدریس علوم منقول، و متونی که در فقه و حدیث و کلام و... تدریس می شد، به گونه‌ای متفاوت با حوزه‌های سنیان بود - و مشابه برنامه‌ها و متونی که در حوزه‌های شیعه در ایران و عراق متداول بود - و با آن که نخستین مؤسس حوزه

۲- فهرست مطبوعات سبحان الله اورینتل لائبریری - دانشگاه

علیگر ۲/۲.

۳- مقاله معصومی.

۴- مقاله معصومی.

۵- مقاله حامد علیخان.

۶- عرفا و حکمای استان زنجان، کریم نیرومند محقق ۳۰۷.

۷- معجم المطبوعات العربیه و المعربه - یوسف البان سرکیس ۱۱۷۴، مقاله حامد علیخان.

۸- معجم المطبوعات.

۹- مقاله معصومی.

۱۰- مطبوعات سبحان الله.

۱۱- همان.

۱۲- مقاله معصومی، مقاله حامد علیخان.

۱۳- مانند حمدالله سندیلوی، دلدار علی و پسرش سلطان العلماء.

۱۴- مفتی محمد عباس و مقاله حامد علیخان شاگردش سید حیدر علی رضوی و ...

۱۵- در ضمن سخن از «عالمانی که بر صدرا حاشیه نوشته اند» تفصیل این اشارات با ذکر مآخذ آن خواهد آمد.

۱۶- توضیحات بیشتر درباره این عالم و برنامه وی، در ضمن سخن از «عالمانی که شرح صدرا را حاشیه کرده اند» بیاید.

□ در دوره معاصر نیز مرحوم آیت‌الله بروجردی با آن که خود دانشمندی حکمت خوانده و از شاگردان میرزا جهانگیرخان قشقانی بودند، پس از آن که الزام علامه طباطبایی به تعطیل درس حکمت را ممکن نیافتند بالاخره در این حد رضایت دادند که شفا تدریس شود و نه اسفار.

که در سرگذشت ایشان سخن از تدریس یا تعلم صدرا و جای دادن آن در برنامه درسی و مطالعه عمیق بر روی آن رفته، و البته شمار حقیقی شان بسی بیش از اینهاست.

عالمانی که شرح هدایه را حاشیه کردند

در این باره نکات زیر در خور توجه است:

۱- با این که آثار صدرا در میهن وی ایران تا پیش از یک قرن پس از درگذشت او، چندان مورد اعتنا نبود، و اهتمامی برای شرح و تحشیه آن وجود نداشت، و از روزگار آقا محمد بیدآبادی (در گذشته در ۱۱۹۷ هـ) و با کوشش وی بود که صدرا مطرح شد، ولی در هند، شرح هدایه صدرا از عصر خود او یا اندکی پس از وفات وی مورد توجه بوده است. و نخستین حاشیه‌ها بر آن را کسانی نوشته‌اند که در بخشی از عمر خود با وی معاصر بوده و سی چهل سال پس از وی درگذشته‌اند.

۲- حاشیه‌هایی که علمای هند بر شرح هدایه نوشته‌اند، به اندازه‌ای زیاد است که نه تنها شمار آن را با حاشیه‌های علمای ایران بر این کتاب نمی‌توان مقایسه کرد (بیش از بیست برابر آن است)، بلکه هیچ یک از دیگر آثار صدرا نیز در ایران با چنین استقبالی مواجه نشده، و شاید مجموع حاشیه‌های علمای ایران بر مجموع آثار صدرا نیز به این تعداد نرسد. علاوه بر کمیت، به لحاظ کیفیت نیز قضیه درخور توجه است. زیرا غالب حاشیه‌نگاران از چهره‌های نامدار علمی هستند و شاید کمتر شخصیت معروفی از علمای هند در طول دو قرن و نیم پس از صدرا بتوان یافت که کتاب وی را حاشیه نکرده باشد.

۳- تعلیقه نویسی بر صدرا در هند اختصاص به علمای یک مذهب خاص نداشته است، بلکه از سنیان متعصب و ضد شیعی (شاه عبدالعزیز، ملا محمد معین و...) گرفته تا مبلغان متصلب و پر حرارت شیعه (دلدار علی و

نامبرده و محتوا و ارزش برنامه آن افزودند، تا جایی که برنامه مزبور، مدتی بیش از دو قرن، در غالب مدارس اهل سنت در شبه قاره، اجرا می‌شد و هزاران طالب علم بر طبق آن آموزش دیدند، و فارغ‌التحصیلان فرنگی محل، تا دویست سال، مرجعیت علمی و دینی اهل سنت در سراسر منطقه را در دست داشتند، و در هند و پاکستان و بنگلادش، کمتر شخصیت علمی - اسلامی را می‌توان یافت که شجره نسب تعلیمی او به این حوزه و مؤسس آن، نظام‌الدین نرسد و برنامه مزبور را طی نکرده باشد.

اینک پس از اشاره به تاریخچه حوزه فرنگی محل، باید به این نکته اشاره کرد که در این حوزه، سه کتاب اصلی برای تعلیم حکمت وجود داشت و یکی از آنها شرح هدایه صدرا بود، و اهمیت آن در برنامه به حدی بود که بسیاری از پیشوایان بزرگ حوزه، خود به تحشیه آن اقدام کرده و با نگارش تعلیقه‌های متعدد، در کشف دقایق آن کوشیدند و از آن میان: شخص نظام‌الدین - نخستین برنامه‌ریز و پایه‌گذار حوزه - و نیز بحر العلوم که همین لقب حاکی از اهمیت او و ظاهراً عالمترین فردی است که این حوزه به خود دیده، و محققان هند او را برای خود همسنگ ابن خلدون شمرده‌اند.

او، و پدرش نظام‌الدین، و حمدالله سندیلوی، و محمد حسن لکهنوی که همگی از دانش‌آموختگان فرنگی محل و تعلیقه‌نگاران بر شرح صدرا هستند، بعضاً از کسانی به شمار آمده‌اند که: «چندان در علوم عقلی تبحر یافتند که سزاوار است در این دانشها نابغه و امام به حساب آیند.» و نیز از کسانی که: کوه حکمت بودند و در علوم حکمت به بالاترین مدارج رسیدند و با فارابی و ابن‌سینا مشابَهت دارند.^{۱۷}

از دیگر پیشوایان این حوزه که بر صدرا حاشیه نوشته‌اند: عبدالحی فرنگی محلی، شیخ ولی‌الله انصاری فرنگی محلی، محمد محمد مبین انصاری فرنگی محلی و پسر او ملا محمد معین و... و این هم نمونه‌ای از آن عالمان سنی هند - و غالباً وابسته به حوزه فرنگی محل -

۱۷- مجله نفاة الهند، ج ۴۳، ش ۳، مقاله حامد علیخان. دور هدایه الحکمه....

دو فرزند و نواده او و... تا صوفیان و رجال طریقت (شیخ اسدالله پنجابی، مبارز علی سہسوانی و...) و تاکسانی کہ حکیم محسوب می‌گردند (محمد حسن انصاری لکھنوی، حمدالله سندیلوی، عبدالعلی بحرالعلوم و...) و منہمان بہ غریزگی و انحراف از جادۂ شریعت (اسماعیل لدنی، شرف‌الدین رامپوری) و نخستین کسانی کہ در علوم جدید و معارف غربی مہارت یافتہ و استاد مبرز شدہ‌اند (تفضل حسین خان)، ہمگی شرح صدر را مورد توجہ قرار دادہ و افرادی از آنان - و شاید از فاضلترین آنان - بہ تحشیۂ این کتاب و کشف دقایق آن ہمت گماشتہ‌اند.

۴- همچنین تعلیقہ نویسی بر صدر را در ہند، محدود بہ منطقہ یا مناطقی ویژه از این سرزمین نبودہ است، بلکہ در سراسر این مرز و بوم بسیار پھنآور، ہر کجا تعلیم و تعلم حکمت و مطالعات فلسفی رایج بودہ، کسانی از مردم آن ناحیہ - و بلکہ از فاضلترین آنان - بہ کشف دقایق صدر را و حاشیہ نگاری بر آن اشتغال داشتہ‌اند. از دہلی، پنجاب، لکھنو، جنپور، قنوج، سندیلہ، اورنگ‌آباد، رامپور، نصیرآباد، لیکن، سہسوان، غازی پور، رامپور، مدارس، بدایون، امروہہ، مرادآباد، فتح پور و... و در میان این ہمہ نیز لکھنوی بیشترین سہم را داشتہ و علت نیز استقرار مہمترین حوزہ‌های تدریس علوم اسلامی ہند - اعم از سنی و شیعہ - و بزرگترین خانوادہ‌های علمی اسلامی - ایضاً از شیعہ و سنی - در این شہر بودہ است.

در احوال «عالمانی کہ بر شرح ہدایہ حاشیہ نوشتہ‌اند»، دو نکتہ دیگر نیز در خور دقت است. - سلسلۂ استادان و مدرسان حکمت اسلامی در ہند - اعم از سنی و شیعہ - بہ حکیمان و دانایان ایران می‌پیوندند، و سہ خانوادہ‌ای ہم کہ مہمترین خاندانہای علمی در تاریخ مسلمانان ہند - از شیعہ و سنی - بہ شمارند (خانوادۂ علمای فرنگی محل، خانوادۂ دلدار علی، خانوادۂ شاہ ولی اللہ) علاوہ بر نسب معنوی و روحانی، نسب ظاہری شان ہم بہ ایرانیان می‌رسد. - در میان کسانی کہ با عنوان محشی صدر از آنان یاد می‌کنیم، و نمونہ‌ای از مجموع علمای مسلمان ہند در طول تاریخ بہ شمار می‌روند، انتساب بہ شخصیتها و خانوادہ‌های معروف صدر اسلام امری متداول و رایج بودہ، و بسیار کسان را می‌بینیم کہ خود را بہ ابوبکر، عمر، عثمان، ابویوب انصاری صحابی، امام علی النقی (ع)، جعفر

طیار، ابوالفضل العباس، بنی‌امیہ، زبیر صحابی، امام حسین (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام رضا (ع) و... منسوب می‌دارند؛ کہ ظاہراً بخشی از این انتسابها معلول گرایشهای مذہبی و دلہستگی بہ افتخارات خاندانی است. و بخشی نیز علت آن گرایشها، و اگر ہم پارہ‌ای از انتسابهای مزبور درست نباشد، باز ہم توجہ بہ آنها برای تعلیل پارہ‌ای حوادث - و از جملہ درگیریهای مذہبی - بی فایدہ نیست.

شیخ پیر محمد جونپوری لکھنوی (۱۰۲۷ - ۱۰۸۵ھ) وی افزون بر دستیابی بہ مدارج عالیۂ علمی، در عالم سلوک نیز گامهای بلند برداشت؛ و بسیاری از علما نزد او شاگردی کردند و آثار چندی بہ فارسی و عربی در حکمت و فقہ و تصوف بہ جای نہاد کہ از آن میان می‌توان بہ حاشیہ‌ای بر صدر بہ نام سراج الحکمہ اشارہ کرد^{۱۸}.

در فہرست سالار جنگ، نسخۂ حاشیہ‌ای بر صدر از مصنفی ناشناس مکتوب در اوایل سدۂ دوازدهم ہجری معرفی شدہ است کہ اگر در ذکر این تاریخ خطایی نرفتہ، و این مصنف همان پیر محمد نامبردہ نبودہ باشد، این حاشیہ قدیمترین (و دست کم یکی از دو قدیمترین) حاشیۂ صدر است کہ می‌شناسیم: نسخۂ مزبور بہ قطع ۲/۱۲×۲ سم در ۱۱۳ برگ ہر صفحہ ۱۴ سطر بہ خط نستعلیق پاکیزہ کتابت شدہ و بہ شمارۂ ۲۲ در کتابخانۂ سالار جنگ نگہداری می‌شود.

شیخ نظام‌الدین انصاری سہالوی لکھنوی فرنگی محلی (۱۱۶۱-۰۰۰ھ)

وی شخصیتی بس بزرگ است کہ با دوامترین برنامه تحصیلی را برای حوزہ‌های علمی - دینی اہل سنت در ہند طراحی کرد؛ و اکثر علمای ہند در سہ قرن گذشتہ، شاگردان بی‌واسطہ و بہ واسطۂ اویند و مطابق برنامه پیشنهادی وی تعلیم یافتہ‌اند.

او نسب بہ خواجه عبداللہ انصاری دانشمند و ادیب و عارف نامدار ایرانی می‌رساند، و از طریق خواجه، بہ ابو ایوب انصاری، صحابی بزرگ رسول (ص) می‌پیوندد. از نسل وی و برادرانش، چندان عالم و فاضل برخاستند کہ گفتہ‌اند: «در تمامی ہندوستان، این چنین خاندان کہ در آن علم موروثی - ابا عن جد - باشد، یافت نمی‌شود.» و

۱۸- نزہۃ الخواطر ۹/۵-۹۸.

«این خانه تمام آفتاب است.»

نظام‌الدین سهالوی، محشی صدرا، شاگردی کرد و تمام هم و کوشش خود را متوجه تحصیل و مطالعه حکمت و منطق ساخت تا در شعب آن، یگانه روزگار گردید. بسیاری از علما از محضر وی استفاده کردند؛ و مصنفات متعددی دارد و از آن میان شرحی بر زبدة الاصول شیخ بهائی و حاشیه‌ای بر صدرا و محاضراتی در پیرامون مبحث «المثناة بالتکریر» از آن کتاب؛ که محاضرات به پیوست صدرا در هند چاپ شده و سه نسخه خطی از حاشیه نیز سراغ داریم؛ یکی در کتابخانه رضا در رامپور به شماره ۲۱۹۵/۱۳؛ و دومی در گنجینه سبحان‌الله به شماره ۲۱/۱۱۰ در برگ به خط نستعلیق. و سومی در کتابخانه دانشگاه پتنا به شماره ۵ و شماره ردیف ۱۶۶۰ و به قطع ۲۳/۶×۱۵ سم به خط احمدی، در ۲۹ ص، ۲۱ سطر که به سال ۱۲۱۳ هـ، در قصبه آله‌ا کتابت شده است.

نواب تفضل حسین لکهنوی شیعی معروف به خان علامه (۱۲۱۵ - ۰۰۰۰ هـ)

از علوم عقلی و نقلی بهره‌ای وافر داشت؛ و بویژه در ریاضیات جدید و دیگر دانشهای نو، شهره آفاق بود و علاوه بر فارسی و عربی، انگلیسی و لاتین را هم بخوبی می‌دانست. از استادان وی، شیخ محمد علی حزین لاهیجی، ادیب و مؤلف نامی ایران و محمد حسن لکهنوی (محشی صدرا) را می‌توان نام برد.

خان علامه به مناصب مهمی مانند سفارت و وزارت نیز رسید، و با وجود دستیابی به مقامات بلند علمی و اجتماعی، ساده زیستی و درویش خویی را همیشه حفظ کرد. در تمام شبانه روز، جز یک وعده غذا نمی‌خورد و بیش از اندکی نمی‌خفت؛ و با این که حضور در مجلس غنا و رقص، از برنامه‌های روزانه او بود، صبح‌ها فقه شیعه را تدریس می‌کرد و عصرها فقه سنی را. تدریس ریاضی هم که به جای خود.

از تصانیف او کتابی در هیئت اروپایی و چند رساله در جبر و مقابله و مخروطات را می‌شناسیم؛ و تعلیقه‌ای بر مبحث «المثناة بالتکریر» از شرح صدرا نیز دارد که نسخه آن در ضمن مجموعه‌ای به شماره ۱۴۸ در رامپور

علاوه بر نسب ظاهری، شجره نسب تعلیمی نظام‌الدین با پنج واسطه به حکیمان ایران می‌رسد. زیرا وی شاگرد حافظ امان‌الله بنارس^{۱۹} بوده است؛ و بنارسی شاگرد قطب‌الدین سهالوی، پدر نظام‌الدین سهالوی و او شاگرد ملادانیال جوراسی و پدر خود ملا عبدالحکیم؛ و آن دو شاگرد مفتی عبدالسلام کردمانی دیوی؛ و او شاگرد مفتی عبدالسلام لاموری؛ و او شاگرد حکیم علامه فتح‌الله شیرازی شیعی که در شیراز - زادگاه صدرا - تولد و پرورش یافت؛ و در محضر جمال‌الدین محمود شیرازی (شاگرد جلال‌الدین دوانی حکیم ایرانی قرن ۹) و غیاث‌الدین منصور شیرازی (فرزند و شاگرد سید صدرالدین شیرازی، ایضاً حکیم ایرانی قرن ۹) حکمت را فراگرفت و در شعب آن تبحر یافت. پس به دعوت یکی از حکمرانان هند به آن سرزمین رفت و نخست در بیجاپور و سپس در دربار امپراتور اکبر در آگره اقامت گزید و اکبر او را منصب صدارت داد و رای وی را در مهمات امور دولتی مطاع شمرد و از درگذشت وی تأسف بسیار خورد.

وی تصنیفات و اختراعاتی نیز داشت و نخستین کسی است که آثار حکیمان متأخر ایران - همچون دوانی و سیدصدرالدین و غیاث‌الدین و میرزا جان باغنوی - را به هند آورد و در حلقه‌های درسی وارد کرد و مورد قبول علما گردانید.

باری، نظامی که نظام‌الدین سهالوی برای آموزش طالبان دانش بنیان نهاد، و این نظام را نخستین بار در حوزه خود در فرنگی محل^{۲۰} به اجرا درآورد، در طول دو سه قرن در بیشتر مدارس اسلامی هند، مورد قبول قرار گرفت و به نام خود وی، «نظامی» خوانده شد. در این برنامه شرح هدایه صدرا از مهمترین مواد درسی محسوب می‌گردید و خود نظام‌الدین نیز حاشیه‌ای بر این شرح و برای توضیح دقایق آن پرداخت؛ جدا از آثار متعدد دیگری که به فارسی و عربی تألیف کرد. همچنین فرزند و شاگرد وی عبدالعلی بحرالعلوم و شاگرد وی و نواده برادرش محمد حسن لکهنوی و چند تن دیگر از خاندان وی که از بزرگترین پیشوایان حوزه فرنگی محل و مروجان درس نظامی بودند - و نیز شاگرد دیگر او حمدالله سندیلوی - هر یک حاشیه جداگانه‌ای بر صدرا دارند.

حمدالله سندیلوی (۱۱۶۰ - ۰۰۰۰ هـ):

از نسل خلیفه ابوبکر بود و مذهب شیعی داشت. نزد

۱۹- مصنف کتابی در داوری میان میرداماد استرآبادی، حکیم ایرانی و محمود جنپوری هندی (در مسئله حدوث دهری).

۲۰- نام کاخی با شکوه بود که یک بازرگان فرنگی - فرانسوی در لکهنو بنا کرد (و بدین لحاظ به فرنگی محل نامیده شده) و محمد اورنگ زیب امپراتور مغول آن را به فرزندان قطب‌الدین انصاری (پدر نظام‌الدین سهالوی) بخشید.

موجود است. و دلدار علی نقوی پاره‌ای از آراء وی در حاشیه مزبور را، در تعلیقه خود بر صدرانقض کرده است.^{۲۱}

سید دلدار علی نقوی نصیرآبادی لکهنوی (۱۱۶۶ - ۱۲۳۵ هـ)

نسب به سید نجم‌الدین سبزواری - ایرانی می‌رسانید؛ و در هند نزد استادانی مانند حیدر علی (از مدرسان شرح صدران و فرزند و شاگرد حمدالله سندیلوی محشی صدران) و مولوی باب‌الله جونپوری (شاگرد دیگر حمدالله) تلمذ کرد و در عتبات در محضر علمای ایرانی - مانند وحید بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم بروجردی و سید علی صاحب ریاض - به کسب دانش پرداخت؛ و چون به هند بازگشت، از قدرت و نفوذ اجتماعی بسیار بهره‌مند شد؛ و در ترویج تشیع چنان گام‌های بلندی برداشت که نزدیک بود در تمام بلاد اوده فراگیر شود. بیشتر علمای بزرگ شیعه که پس از او در هند ظهور کرده‌اند، از نسل او یا از پرورش یافتگان مکتب وی و اخلاف وی هستند. آثار قلمی فراوانی هم در دانشهای گوناگون پدید آورد و از آن میان حاشیه بر صدران که در اوایل عمر خود نگاشته و (همان هنگام یا بعدها) اثر دیگر خود «رسالة المثناة بالتکریر» را در آن گنجانده؛ و مشتمل است بر دقایق حکمی و ابیات هندسی؛ و در ضمن آن، پاره‌ای از اقوال فضل حسین لکهنوی و عبدالعلی لکهنوی را نقض کرده است. دو فرزند او سید حسین و سید محمد، و نواده‌اش سید محمد تقی نیز هر یک حاشیه‌ای بر صدران دارند. تعلیقه‌ای بر مبحث «جزء لایتجزی» از شرح صدران هم به دلدار علی نسبت داده‌اند که نسخه خطی آن در ضمن مجموعه‌ای از حواشی شرح صدران در رامپور به شماره ۱۴۸ موجود است؛ و شاید همان حاشیه وی بر صدران یا بخشی از آن باشد. از رساله «المثناة بالتکریر» وی نیز، که ظاهراً حاشیه‌ای است بر مبحثی به همین نام در شرح صدران، نسخه‌ای در کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن، به شماره ۶۰۶ وجود دارد و تقریباً به سال ۱۲۸۰ هـ کتابت شده است.^{۲۲}

شاه عبدالعزیز عمری دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ هـ)

خود و پدر وی - شاه ولی الله - از بزرگترین دانشمندان در تاریخ دوره اسلامی هند محسوب می‌شوند؛ و شمار علما و فضلا که از خاندان ایشان برخاسته‌اند، از اکثریت قریب به اتفاق خاندانهای علمای اسلامی هند بیشتر بوده است.

نسب وی به قولی به سیدنورالجبّار مشهدی از نسل امام موسی کاظم (ع)، و به قولی به شیر ملک نام از نسل خلیفه عمر می‌رسد که در قسمتی از ایران حکومت داشت؛ و شاید هم انتساب به یکی از این دو، از طریق پدر و به دیگری از جانب مادر بوده است.

عبدالعزیز، از پدر و شاگردان پدر دانش فراگرفت؛ و پدر وی از پدر خود عبدالرحیم دهلوی؛ و او از محمد زاهد هروی محشی شرح هیاکل النور سهروردی زنجانی و شرح بر تجرید خواجه طوسی؛ و او از میرزا محمد فاضل بدخشی از نسل عین‌القضاة همدانی؛ و او از ملا میرزا جان شیرازی؛ و او از ملا یوسف کوسج شیرازی؛ و او از جلال‌الدین دوانی حکیم نامی ایران در قرن نهم. و بدین ترتیب شجره نسب وی و پدر و جدش در دانش آموزی، به دانشمندان و استادان ایران می‌رسد.

شاه عبدالعزیز را سراج الهند و حجة الله لقب داده و گفته‌اند که از عصر وی به بعد، حتی یک تن از علمای حدیث در هند نبوده است که شاگرد بیواسطه یا به واسطه او نباشد؛ و تمامی مدارس سنیان شبه قاره، از شمعی که او افروخته، کسب نور کرده‌اند.

وی به کار افتاء و ارشاد می‌پرداخت؛ و خلق کثیری از مجلس درس او استفاده کردند؛ و دارالعلوم دیوبند که از مهمترین - و شاید مهمترین - مراکز اشاعه علوم اسلامی در این سرزمین بسیار پهناور است، برای نشر و ترویج تعالیم وی و پدرش تأسیس شد. همچنین پیشگامان جهاد با انگلیسها از میان مسلمانان، با او پیوندهایی استوار داشتند؛ و سید احمد بریلوی شهید با وی بیعت کرده و طریقت را از او گرفته، مرید و خلیفه وی بود و طالبان ترک و تجرید را به ملازمت وی می‌خواند؛ و شاه اسمعیل شهید، برادرزاده وی بود و مدتی طولانی ملازمت وی را اختیار کرد و به استفاضه از او پرداخت.

سید محمد نقوی لکهنوی شیعی (۱۱۹۹ - ۱۲۸۴ هـ)

نزد پدرش سید دلدار علی محشی شرح صدران، و حیدر علی، از مدرسان شرح صدران و پسر حمدالله سندیلوی محشی صدران، شاگردی کرد.

در نزد حکام عصر خود حرمت بسیار داشت، و

۲۱- نزهة الخواطر ۳/۷-۱۱۲، تذکره علمای هند ۳۶۷، مقاله معصومی.

۲۲- نزهة الخواطر ۵/۷-۱۵۴ و ۷۱-۱۶۸، تذکره علمای هند ۵۴ و ۶۱-۶۰، اعیان الشیعه ۴۲۶/۶، مرآت الکتب ۷۱/۳، الذریعه ۱۳۸/۶، فهرست آصفیه ۹/۴-۴۸۸، مقاله معصومی.

منصب فتوی، و نیز بزرگترین مقام قضایی در منطقه او ده با او بود؛ و بر اساس نظریه ولایت فقیه (ضرورت تصدی حکومت در عصر غیبت به وسیله فقیه) حاکم اوده، تاج (مظهر قدرت) را به وی تسلیم کرد و او آن را مجدداً به عنوان ودیعه و امانت در اختیار حاکم قرار داد؛ تا با نشأت گرفتن حاکمیت از فقیه، مشروعیت آن تضمین گردد و تأیید شود.

سید با عنوان سلطان العلماء شناخته می‌شد؛ و بسیاری از علما از مجلس درس او استفاده کردند (از جمله برادرش سید حسین که خود و پسرش هر دو از حاشیه نویسان بر شرح صدرا هستند) و آثار متعددی نیز به جای نهاد و از آن میان کتابهایی در ردّ تحفه اثنا عشریه شاه عبدالعزیز، و حاشیه‌ای بر صدرا که نسخه خطی اثر اخیر در گنجینه عبدالحی به شماره ۷۵۳/۵۵ موجود است.^{۲۳}

سید حسین نقوی لکهنوی شیعی (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ هـ)
نزد پدرش سید دلدار علی و برادرش سید محمد (هر دو از حاشیه نویسان بر شرح صدرا) شاگردی کرد. به مقام مرجعیت رسید و به سیدالعلماء ملقب گردید، نفوذ و اقتدار او تا آن حد بود که حتی شاه منطقه اوده، خود را مقلد وی می‌شمرد؛ و وجوه شرعی خود را مرتباً به وی می‌پرداخت.

خلقی بسیار نیز از مجالس درس او بهره‌مند شدند؛ و آثار متعددی در علوم مختلف به فارسی و عربی پدید آورد و از جمله حاشیه بر صدرا که نسخه خطی آن در گنجینه عبدالحی به شماره ۷۵۴/۵۶ موجود است. فرزند و شاگرد او سید محمد تقی، و دو شاگرد دیگرش سید حیدر علی و مقتی محمدعباس نیز هر یک حاشیه‌ای بر صدرا دارند.^{۲۴}

سید محمد تقی نقوی لکهنوی (۱۲۳۴ - ۱۲۸۹ هـ)
شیعی و معروف به ممتاز العلماء.

نزد پدرش سید حسین (از حاشیه نویسان بر شرح صدرا) شاگردی کرد و عمویش سیدمحمد (نیز از حاشیه نویسان بر شرح صدرا) وی را اجازت داد؛ و به تدریس و اقامه مراسم مذهبی پرداخت. او آثار متعددی در علوم مختلف بر جا نهاد که از آن میان می‌توان به حاشیه بر صدرا اشاره کرد.

— علاوه بر پدرش و عمو، جدش سید دلدار علی نیز حاشیه‌ای بر صدرا دارد.^{۲۵}

در برابر این همه از دانشمندان و بزرگان هند که در طول نزدیک به سیصد سال، این همه حاشیه‌ها بر شرح

صدرا نوشتند، تنها سه دانشمند ایرانی را می‌شناسیم که به این کار پرداخته‌اند و جالب آن که یکی از آن سه نیز در هند تولد یافته و بخشی از عمر وی در آن سامان گذشته و از سوی مادر هندی است - ظاهراً - که برای تکمیل این بررسی، اشارتی به احوال و آثار وی ضروری می‌نماید:

میرزا ابوالحسن جلوه (۱۲۳۸ - ۱۳۱۴ هـ)

از سادات طباطبایی است و پدرش در اوایل جوانی به حیدرآباد سند رفت و در دستگاه امیر سند منزلتی پیدا کرد. چنان که وزیر امیر، دختر خود را به ازدواج او درآورد و وقتی خواستند سفیری نزد فرمانفرمای هندوستان به کلکته فرستند، او را برای این مهم اختیار کردند. اما در پی پاره‌ای سؤ تفاهم‌ها، وی عزم احمدآباد گجرات کرد و جلوه در همانجا تولد یافت. بعدها پدر - با فرزند خود به بمبئی رفت و بالاخره پس از ۳۶ سال اقامت در شبه قاره، با فرزند به ایران بازگشت.

میرزا ابوالحسن جلوه در اصفهان به تحصیل علم پرداخت. تا به مراتب عالییه رسید و از مدرسان بزرگ حکمت گردید. و با آن که مکتب صدرا و نیز شیوه وی در تألیف را تخطئه می‌کرد بخشی در خور توجه از عمر خود را بر سر آثار وی نهاد و حواشی بسیار بر «اسفار» وی نوشت. هم چنین بر پاره‌ای از کتابهای دیگر او «مشاعر» و «مبدء و معاد» و «شرح هدایه» تعلیقاتی دارد و حتی عنوان بعضی از مصنفات خود او - همچون رساله در حرکت جوهریه - یادآور آراء اختصاصی صدراست. حاشیه جلوه بر شرح صدرا به همراه شرح در سال ۱۳۱۳ هـ چاپ شده است.^{۲۶}

یک نکته

چرا شرح هدایه بیش از دیگر آثار صدرا در هند مورد استقبال واقع شد؟

تردید نیست که فلسفه از آغاز ورود به جهان اسلامی با مخالفت سرسختانه اهل سنت مواجه شد که در این مورد نیز هیچ تفاوتی میان حکمت مشائی و اشراقی و عرفان و حتی منطق و کلام نمی‌نهادند و همه را یک جا

۲۳- نزهة الخواطر ۱۵۵/۷ و ۴۲۵-۶، مقاله حامد علی خان، سیر تشیع در لکهنو - علی محمد نقوی ۵-۵۴.

۲۴- نزهة الخواطر ۱۴۲.۳/۷، الذریعه ۱۳۸/۶، سیر تشیع در لکهنو، مقاله حامد علی خان.

۲۵- نزهة الخواطر ۳/۷-۴۴۲، الذریعه ۱۳۸/۶.

۲۶- تاریخ حکما و عرفاء متأخر بر صدرا المتألهین ۶۹-۱۵۹، الذریعه ۱۳۸/۶.

تحریم و محکوم می‌کردند. اما رفته رفته برخی از پیشوایان ایشان احساس کردند که دفاع از مقدسات دینی و تدوین یک مکتب منسجم عقیدتی و حتی استنباط احکام و تکالیف شرعی بدون کمک گرفتن از فلسفه ممکن نیست و این بود که اندک اندک گروهی از رجال دین، کلام و سپس منطق را از جرگه علوم ممنوعه خارج شناخته و حتی مفید و لازم بودن آن را تأیید کردند و پاره‌ای از موضوعات فلسفه و منطق را نیز در مباحث اصول فقه مورد استفاده قرار دادند و...^{۲۷}

در مرحله بعد نیز - ایضاً به خاطر ضرورت‌های یاد شده - برخی از علمای سنت، حکمت مشائی را با جرح و تعدیلهایی جامعه مسلمانان پوشانده و آن را در حوزه‌های علمی خود رواج دادند.

اما حکمت اشراق - به دلیل تضاد بیشتر آن با سنی‌گری و قشرگرایی نسبت به مکتب مشاء - در این حوزه‌ها آزادی و رونق کمتری داشت، و متون آن بسی کمتر از متون فلسفه مشائی متداول بود و این واقعیت نه تنها در خارج از ایران و در حوزه‌های اهل سنت که در محیط شیعی ایران نیز در خیلی از ادوار تاریخ محسوس است. چنان که می‌بینیم در دوره صفویه با این که بسیاری از حکیمان مشائی و شارحان و استادان فلسفه این‌سینا^{۲۸} در شرایطی مناسب و بعضاً عالی به سر می‌بردند و کثیری از رجال دین و دولت به آنان حرمت می‌نهادند ولی صدرا که استادی‌اش در حکمت مشایی از همه آنان بیشتر بود، (به گواهی آثاری همچون حاشیه شفا و شرح هدایه) اما به جرم گرایشهای اشراقی و آراء عرفانی خود در وضعیتی بس نامساعد می‌زیست و با آن که از خانواده‌ای بس منتفذ بود و کسانی از رجال دین نیز که استاد یا شاگرد او بودند در احترام وی تقصیر نمی‌کردند، باز هم آنچه در زندگی او به چشم نمی‌خورد مصونیت از برخوردهای ناهنجار و توهین‌آمیز است، تا چه رسد به عزت و احترام.

در دوره معاصر نیز، به نقل برخی از استادان ما مرحوم آیت‌الله بروجرودی با آن که خود دانشمندی حکمت خوانده و از شاگردان میرزا جهانگیرخان قشقائی بودند، پس از آن که الزام علامه طباطبائی به تعطیل درس حکمت را ممکن نیافتند بالاخره در این حد رضایت دادند که شفا تدریس شود و نه اسفار...

با توجه به مقدمات مذکور، طبیعی خواهد بود که در حوزه‌های علمی اهل سنت در هند نیز شرح هدایه صدرا بیش از بقیه آثار او مورد توجه قرار گیرد، زیرا علاوه بر

تهی بودن آن از گرایشهای اشراقی و عرفانی، نشانهای شیعیگری در آن از بقیه کمتر است. و از سویی نیز برنامه حوزه‌های مزبور به وسیله شخصیتی ریخته شد که از پرورش یافتگان و دانش‌آموختگان عصر اورنگ زیب بود و نخستین حوزه‌ای هم که این برنامه در آن عملی گردید، فرنگی محل بود؛ در همان ساختمانی که اورنگ زیب به خانواده قطب‌الدین انصاری (پدر نظام‌الدین برنامه‌ریز اصلی حوزه‌های اهل سنت در هند) بخشید و می‌دانیم که اورنگ زیب مردی بس متعصب و سختگیر و ضدشیعی و ضد ایران و ضد فارسی بود. تعصب او به حدی بود که به بهانه اجرای شریعت بر پدر خود شورید و او را از کار برکنار کرد و برادران خود از جمله داراشکوه را که مردی با فرهنگ و آزاداندیش بود، به قتل رسانید و با گرایشهای عرفانی تند که از کسانی همچون محب‌الله‌آبادی ظهور کرد به ستیزه برخاست و حکم به نابودی آثار آنان داد. چنان که دستور به سوزاندن دیوان حافظ داد و سرمد شاگرد صدرا را به قتل رساند و تسلط وی بر هند - در حقیقت - به معنای چیرگی تعصب بر آزاد فکری، و غلبه مولویان قشر پرست و متحجر و شکست نهضت همزیستی مسالمت‌آمیز میان ارباب مذاهب مختلف - بویژه مسلمانان و هندوان - بود. همان نهضتی که از صد و پنجاه سال قبل - از عصر اکبر و بلکه پیشتر - جریان داشت و بسیاری از متفکران و مصلحان در تقویت آن کوشیدند....

باری، از مجموع آنچه گفته آمد می‌توان دریافت که چرا در حوزه‌های اهل سنت در هند، شرح هدایه صدرا بیش از آثار دیگر او مورد توجه قرار گرفت. و اگر بدانیم که حوزه‌های شیعه در هند نیز در علوم عقلی غالباً خوشه چین خرمن سنیان بودند و سلسله تعلیم حکمت در میان معلمان آن به استادان فرنگی محل می‌پیوست علت آن که شرح هدایه در حوزه‌های علمی شیعیان هند نیز بیش از دیگر آثار صدرا مورد عنایت بوده است روشن می‌شود. □

۲۷- و البته گروه مخالف نیز همچنان اصرار داشته و دارند که هر گونه استفاده از منطق و مباحث کلامی و اصول فقه مبتنی بر نظریات فلسفی و مبادی عقلی، نارواست و تنها راه مشروع عبارت است از: اتکاء بی چون و چرا به ظواهر الفاظ قرآن و حدیث و اقتدا به سیره فشر حاکم از صحابه و تابعین و...

۲۸- همچون: آقا حسین خوانساری و پسرش آقا جمال، محقق سبزواری، ملا رجبعلی تبریزی، سید احمد عاملی، فاضل هندی، ملاحمزه گیلانی، میرزا ابراهیم پسر صدرا، عبدالرزاق لاهیجی داماد صدرا، میرزا حسن پسر عبدالرزاق و....